

آتش ساحلی

از غمزه‌ها تا ماه نباید خبر شود
می‌ترسم اضطرابش از این بیشتر شود
شور هزار شعبده در چشم‌های توست
کافیست یک جرقه از آن کارگر شود
دست نسیم با سر زلفت چه می‌کند؟
مگذار از این که هست صمیمانه‌تر شود
پیراهنت اگر که بیفتد به دست باد
این دکمه‌های سست بسی دردسر شود
آتش مزین به ساحل آرام، بیش از این
کاری نکن که مرمه هم شعله‌ور شود